



آب تانکر مشکل دارد و آب چشمه از آن هم آلوده تر است؛ این رادر گزارش کارشناسان بهداشت نوشتند، اما ما با وجود اینکه اکثر کلبه های مان ناراحت است و سنگ دارد، ناچاریم از همین آب بنوشیم که از عطش نمیریم

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب مشهد:

منتظر مجوز استانداری و فرمانداری هستیم

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب مشهد در این باره می گوید: «درست است که پرونده تأمین آب در روستای «ذکریا» به شرکت آب و فاضلاب ارجاع داده شده است، ولی برای آغاز کار شبکه گذاری و لوله کشی، نیاز به مجوز فرمانداری و استانداری داریم که هنوز صادر نشده است.»

علیرضا طباطبایی ادامه می دهد: «به محض اعطای مجوز برای آغاز به فعالیت در این روستا، ما کار خود را آغاز خواهیم کرد، اما در حال حاضر و در آب رسانی با تانکر کاری از دست ما برنمی آید.»

رئیس امور رسانه های آستان قدس رضوی:

در خواست خود را به صورت مکتوب به این اداره ارجاع دهید

رئیس امور رسانه های آستان قدس رضوی نیز می گوید: «موضوع روستای «ذکریا» مربوط به معاونت املاک آستان قدس است، برای اینکه پاسخی صحیح و دقیق به شما داده شود، لطفاً در خواست خود را به صورت مکتوب به این اداره ارجاع دهید.»

دست پروری در این باره عنوان می کند: «معاونت املاک آستان قدس رضوی نامه مکتوب شما را سه روزه پاسخ خواهد داد.»

مدیر روابط عمومی سازمان ترافیک:

دوربرگردان حادثه خیز به دستور پلیس راهور مسدود شد

مدیر روابط عمومی سازمان ترافیک نیز یادآور می شود: «از زمانی که بولوار نماز احداث شده است، پلیس راهور به دلیل خطر آفرین بودن دوربرگردان ورودی روستای «ذکریا»، دستور به انسداد آن داده است و این بسته بودن مسیر اتفاق تازه ای نیست.»

مجید یخت از ما در ادامه می گوید: «باتوجه به اینکه مسیر بولوار نماز امتداد مسدودی دارد و هنوز مسکنی در آن ساخته نشده است و روشنایی مناسبی ندارد، بازگشایی معبر در این قسمت امکان پذیر نیست.»

وی با اشاره به اینکه اگر پلیس راهور به ما اجازه بازگشایی دهد، ما این دوربرگردان را باز خواهیم کرد، توضیح می دهد: «دسترسی شهروندان ساکن بولوار «ذکریا» به بولوار دلاوران وجود دارد و این مسدود بودن مسیر، خیلی آن ها را به زحمت نینداخته است.»

که وضعیت را برای شما توضیح دهد. گویا هر چه اسناد و مدارک برده بودیم دفتر ایشان به دستشان نرسانده بودند و هیچ نتیجه ای حاصل نشد.»

اورژانس نرسید، پسر فوت شد

ساکن روستای «ذکریا» می گوید: «از وقتی دوربرگردان مقابل روستای زکریا در بولوار نماز را بسته اند، علاوه بر اینکه دسترسی ما از رضاشهر که برای خرید و امکانات درمانی به آن جا مراجعه می کردیم، قطع شده است، بلکه دیگر مهمانانمان هم آدرس ما را پیدا نمی کنند. در گذشته چون مسیر خاکی بولوار «ذکریا» از سوی بولوار نماز نام و تابلویی نداشت، ما برای آدرس می گفتیم امتداد خاقتانی. حالا که این بریدگی در بولوار نماز را مسدود کرده اند، ما ناچاریم مسیر طولانی ای را تا دلاوران برویم تا ابتدای ترین امکانات زندگی را مهیا کنیم.»

معصومه یزدانی در ادامه صحبت های دیگر شهروندان با اشاره به اینکه پیدا کردن آدرس این روستای بی نام و نشان برای همه غیربومی ها سخت است، می گوید: «پسر ۴۰ ساله ام سخته کرد و به دلیل دیر رسیدن اورژانس او را به بیمارستان رساندیم و جان داد.»

«آستان قدس» مجوز آب را داده است

یکی دیگر از شهروندان که باغی در این روستا دارد و پدرش از قدیمی های روستاست، آقای کلانی است. او می گوید: «نباید از انصاف دور شد. آقای رئیسی مجوزهای لازم برای وصل شدن آب به این روستا را داده اند و در حال حاضر پرونده آب این روستا روی میز آقای طباطبایی، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب، است. در حال حاضر شرکت گاز نیز گفته «اگر آب به روستا باید ما هم گاز می دهیم» و امکانات دیگر نیز قطعاً بعد از آب خواهد آمد. در مورد معادن نیز باید بگویم یک بخشی از زمین های این جانیز دست دادگستری است و آستان قدس تنها ارگانی نیست که مسبب تعطیلی معادن سنگ منسوب به حضرت رضا (ع) شده است.»

گفتند طرح جهادی داریم؛ باز می کنیم

چند وقت پیش شهردار وقت و آقای مهندس نخعی برای بازدید به این روستا آمدند. مادر مورد مسدود شدن ورودی روستا از بولوار نماز به آن ها گفتیم و آن ها در پاسخ گفتند: «طرح جهادی است، باز می کنیم.» زمان گذشت و هیچ خبری نشد و وعده آن ها هیچ صحت و سقمی نداشت. مطمئن باشید اگر یک انسان دولتی یا یک شخص پولدار در این روستا زندگی می کرد، حتماً برای او هم شده ورودی این روستا را باز می کردند. نزدیک این جا پروژه آبادگران است که با وجود اینکه خیلی از ساکنان آن حضور ندارند، چهارراه پرخطر را چراغ نصب می کنند ولی در اینجا با اینکه می توانستند چراغی نصب کنند، دیدند مسدود کردن مسیر این روستاییان ساده دل راه ساده تری است.

مدرسه تعطیل است

روستای «ذکریا» مدرسه ای دارد که تعطیل است. به دلیل امکانات کم روستا هیچ معلمی حاضر نیست برای تدریس به این کودکان در این روستا حاضر شود و کودکان روستا ناچارند به سختی خود را به نزدیک ترین مدرسه که در فاصله دوری در رضاشهر است، برسانند. حالا قرار است که «آستانه»، این مدرسه را که گفته اند در حریم جاده است، تخریب کند.

ضعیفی در این روستاست و با آن دل خوشیم. حالا که این جابجایی کشیده شده و قرار است آباد شود، حق ما نیست که از آبادی محله ای که این همه پای آن سختی کشیدیم، بمانیم؟! به ما گفته اند این جا ملک کشاورزی بوده و وقف «آستانه» است، اما هیچ گاه مدرکی که این قضیه را اثبات کند، ندیده ایم.»

بیشتر مان سنگ کلبه و سنگ کیسه صفراداریم

مبارک، ساکن روستای «ذکریا» ادامه می دهد: «آب شرب ما آب همین تانکر است که خیلی وقت ها کفاف مصرفمان را نمی دهد. گفته اند آب چشمه بهداشتی نیست اما آدم تشنه که این حرف ها را نمی فهمد. ما با تشنگی کودکانمان چه کنیم؟ ناچاریم وقتی آبی نداریم از چشمه و آب آن برای رفع عطشمان استفاده کنیم. روزی چندین بار دبه در دست مسیر چشمه را می رویم و بادیه های پر آب برمی گردیم. آب تانکر مشکل دارد و آب چشمه از آن هم آلوده تر است؛ این را در گزارش کارشناسان بهداشت نوشتند، اما ما با وجود اینکه اکثر کلبه های مان ناراحت است و سنگ دارد، ناچاریم از همین آب بنوشیم که از عطش نمیریم.»

ما هنوز مثل آدم های نخستین زندگی می کنیم

در محله، مشغول تهیه گزارش هستیم که ساعت توجهمان را جلب می کند. ۹:۵۶ دقیقه روز، اهالی دبه به دست، در کوچه ها منتظرند تا صدای فش فش آب تانکر را بشنوند. یکی از ساکنان نوه چهار ساله اش، محمد ارسلان، را نشانمان می دهد که دبه ای دلیتری در دست دارد. می گوید: «صبح که بیدار می شود سؤال اولش این است: «مادر جان بروم آب بیاورم؟»

ما هنوز مثل آدم های نخستین زندگی می کنیم؛ انگار نه روستایی هستیم که خدمات روستا را دریافت کنیم و نه شهری می شویم تا تکلیفمان مشخص باشد؛ البته همین پمپ آبی که هر دو روز آب را به تانکر می کشد، هزینه برق دارد و از زندگی شهرنشینی، تنها هزینه های آن دامن گیرمان است.»

نه می توانیم روستایی زندگی کنیم و نه شهری

ابراهیمی، از دیگر شهروندان این روستا است، که می گوید: «در حال حاضر باید از قوانین زندگی شهرنشینی پیروی کنیم؛ یعنی گاؤ و گوسفند و زندگی روستایی را فراموش کنیم؛ ولی از سوی دیگر هفت سال است که هیچ امکاناتی به ما تعلق نگرفته است. این قدر سهمیه آب کم است که با وجود گرمای هوا از کولر خبری نیست و اغلب منازل ما با پنکه خنک می شود که با وجود مصرف برقی که دارند آن هم نمی تواند بر این گرمای هوا چیره شود. آب منبع برای مصارف معمولی مان نیز کفاف نمی دهد؛ برای حمام نیز ناچاریم بادیه، آب ببریم. همه امکاناتی که شهروندان دیگر به راحتی در اختیار دارند، ما اینجا با مشقت بسیار به دست می آوریم.»

خدا خیر مهندس پرورش را بدهد

ابراهیمی ادامه می دهد: «مهندس پرورش قبلا مدیر سازمان آب بود. او یک انسان واقعی بود. وقتی به روستا آمد کل روستا را در عرض دو روز لوله کشی کرد و منبع ۱۰ هزار لیتری را هم نصب کرد و حتی یک چای هم نخورد. آقای رئیسی تاکنون به ما سر نزده است. پیش از رمضان بود که او را در حرم دیدیم و به ایشان مشکلات را گفتیم. گفتیم لطفاً ما موری به روستای ما بفرستید

